

مصونیت قضایی دولت با تأکید بر رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه آلمان علیه ایتالیا

مهدی حاتمی*

فرشته سادات حسینی**

چکیده

چنان که از تاریخچه مصونیت دولت‌ها پدیدار است، مصونیت قضایی دولت‌ها با چالش‌ها و تحولات زیادی مواجه شده است. با وجود این تحولات در حقوق بین‌الملل عرفی، قاعده‌ای وجود ندارد که بر اساس آن در صورتی که دولت‌ها مرتکب نقض قواعد حقوق بشر با خصلت آمرانه شدند، امکان استناد به مصونیت قضایی در برابر محاکم ملی سایر دولت‌ها را از دست بدهند. علیرغم این ایتالیا در محاکم داخلی خود خرق قاعده کرده و پیشگام در ایجاد استثنایی جدید در حقوق بین‌الملل عرفی شده است. آلمان در اواخر دسامبر ۲۰۰۸ یک دعوی حقوقی علیه ایتالیا در دیوان بین‌المللی دادگستری به ثبت رسانید و مدعی شد که ایتالیا مصونیت قضایی آن را به طور مکرر در دادگاه‌های داخلی خود نقض کرده است. قضیه آلمان علیه ایتالیا برای دیوان بین‌المللی دادگستری مجالی فراهم کرد که در رابطه با تعامل میان حقوق بشر، قاعده آمره و مصونیت دولت، اظهارنظر کند. در این پژوهش تلاش شده است تا با بررسی نظر و رأی دیوان بین‌المللی دادگستری به این پرسش پاسخ داده شود که آیا دیوان بین‌المللی دادگستری در جهت تثبیت حقوق بین‌الملل عرفی در باب مصونیت قضایی دولت‌ها گام برداشته یا زمینه را برای ورود استثنایی جدید در این باب مهیا کرده است؟

کلیدواژه‌ها: حقوق بین‌الملل عرفی، مصونیت قضایی دولت، دیوان بین‌المللی

دادگستری، حقوق بشر.

* عضو هیأت علمی گروه حقوق دانشگاه کردستان (نویسنده مسئول)

hatamilaw@gmail.com

** دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری

hosseiny2012@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۳/۱۲/۱۲

تاریخ دریافت: ۹۳/۰۸/۲۷

مقدمه

مصونیت قضایی دولت‌ها در حقوق بین‌الملل از موضوعاتی است که برای دولت‌ها حائز اهمیت است. دلیل این اهمیت آن است که با توجه به اصل تساوی حاکمیت دولت‌ها هیچ دولتی نمی‌پذیرد که در محاکم داخلی دولت دیگر مورد تعقیب و محاکمه قرار گیرد. مصونیت قضایی دولت پتانسیل زیادی برای توسعه داشته و از پویایی خاصی برخوردار است چرا که پس از تحولاتی که در این زمینه به وقوع پیوسته و موجب گردیده که مفهوم مصونیت دولت از مصونیت مطلق به مصونیت محدود تغییر یابد و مباحث تازه‌ای در مورد محدودیت‌ها و استثنائات وارد برقاعده مصونیت دولت مطرح شود. این تحولات آثار متعددی در پی داشته است؛ از جمله سبب طرح دعاوی مختلف در دادگاه‌های داخلی کشورهای متعدد به استناد نقض تعهدات حقوق بشر گردیده است. دیوان بین‌المللی دادگستری تاکنون نقش غیرقابل‌انکاری در توسعه حقوق بین‌الملل ایفا نموده است. در واقع یکی از وظایف دیوان همانا شناسایی قواعد عرفی بین‌الملل و اعمال آنها نسبت به پرونده خاص نزد دیوان است. این وظیفه باعث می‌شود تا دیوان در وهله اول، مبادرت به شناسایی یک قاعده عرفی کرده و آن را معرفی نماید و با این اقدام خویش مبادرت به توسعه حقوق بین‌الملل نماید. در این پژوهش تلاش شده است تا با بررسی نظر و رأی دیوان در قضیه آلمان علیه ایتالیا به این پرسش پاسخ داده شود که آیا دیوان در جهت تثبیت حقوق بین‌الملل عرفی در باب مصونیت قضایی دولت‌ها گام برداشته یا زمینه را برای ورود استثنایی جدید در این باب مهیا کرده است؟ بدین منظور در ابتدا به بیان مفهوم و تاریخچه مصونیت قضایی دولت و پس از آن به موضوع اختلاف و رأی دیوان در قضیه آلمان علیه ایتالیا پرداخته شده و در نهایت موضع دیوان در باب مصونیت قضایی دولت مشخص شده است.

۱. مصونیت قضایی دولت

۱-۱. مفهوم مصونیت قضایی دولت

مصونیت قضایی دولت که از آن به عنوان عدم امکان اعمال صلاحیت قضایی دادگاه‌های داخلی بر دولت‌های خارجی یاد می‌کنند یا به گفته پروفیسور یان براون لی «مصونیت از صلاحیت محلی...»^۱، از اصل برابری حاکمیت دولت‌ها نشأت گرفته و عامل حفظ صلاحیت سرزمینی دولت‌ها است. مبنای مصونیت دولت، نمود بیرونی حاکمیت

۱. عبدالهی، محسن؛ و میرشههیز شافع، مصونیت قضایی دولت در حقوق بین‌الملل، اداره چاپ و انتشار ریاست جمهوری، ۱۳۸۶، ص. ۲۲.

یعنی استقلال دولت‌ها است که محدودیتی بر جنبه درونی حاکمیت یعنی اصل صلاحیت انحصاری ایجاد می‌نماید.^۱ مصونیت قضایی دولت مبتنی است بر معافیت دولت‌ها از اجرای قوانین که در یک کشور در مورد صلاحیت دادگاه‌ها اعمال می‌شود. هیچ کشوری را نمی‌توان بر خلاف اراده واقعی‌اش تابع قضاوت کشور دیگر قرار داد.^۲ بنابراین اثر مصونیت، حمایت از یک دولت در قبال اعمال صلاحیت دادگاه‌ها و سایر مقامات داخلی دولت‌های دیگر است.^۳ اینها در کتاب خود راجع به حقوق بین‌الملل درباره اصل مصونیت دولت می‌نویسد: «با اصل مصونیت حاکمیت دولت‌ها از صلاحیت محاکم کشورهای دیگر به گونه‌ای رفتار شده که دادگاه‌های اکثریت کشورها آن را به عنوان یک اصل حقوق بین‌الملل به کار می‌برند.»^۴ کنوانسیون ملل متحد راجع به مصونیت دولت‌ها و اموال آنها، مصونیت دولت را اینگونه تعریف کرده است: «یک دولت، در ارتباط با خود و اموالش از صلاحیت محاکم دولت دیگر با رعایت مفاد این کنوانسیون از مصونیت برخوردار می‌باشد.»^۵ به طور کلی، مصونیت دولت یکی از اصول حقوق بین‌الملل عرفی است، که بر اساس آن نمایندگان دولت از دفاع در مورد اقدامات و اعمال حاکمیت آن دولت معاف می‌شوند.^۶ اگرچه مفهوم مصونیت دولت در حقوق بین‌الملل، در برگیرنده مصونیت از هرگونه اعمال صلاحیت یک دولت بر دولت دیگر در ابعاد مختلف قانون‌گذاری، اجرایی و قضایی است، اما آنچه بیش از سایر ابعاد مصونیت در دکتترین و رویه مورد ابتلا و توجه قرار گرفته است، بعد قضایی مصونیت دولت می‌باشد و این مفهوم غالباً در اسناد و اظهارنظرهایی ملاحظه می‌شود که در آنها، مصونیت به عنوان مانعی بر صلاحیت دولت مقرر دادگاه مطرح شده است.^۷ در این پژوهش نیز مصونیت از بعد قضایی مورد بحث قرار گرفته است.

۱. امینی، اعظم، «مفهوم مصونیت قضایی دولت‌ها و استثنای نقض حقوق بشر»، مجله نامه مفید، شماره ۷۹،

۱۳۸۹، ص. ۱۲۵.

۲. ضیایی بیگدلی، محمدرضا، «مصونیت کشورها و مقامات حکومتی از دیدگاه حقوق بین‌الملل»، پژوهش حقوق

و سیاست، شماره ۴، ۱۳۸۰، ص. ۹۹.

3. Reece Thomas, Katherine; and Joan Small, "Human Right and State Immunity : Is there Immunity from Civil Liability for Torture?", Netherlands International Law Review, Vol. 50, Issue 1, 2003, p. 20.

۴. کمایستانی، کرم علی، «مطالعه‌ای در اصول حقوق بین‌الملل (بررسی دو اصل تعیین سرنوشت ملل و اصل

مصونیت دولت‌ها)»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۳، ۱۳۷۱، ص. ۱۴۴.

۵. انصاری معین، پرویز، مصونیت قضایی دولت‌ها و اموال آنها، نشر میزان، ۱۳۸۹، ص. ۱۸۳.

6. Fox, Hazel; and Philippa Webb, The Law of State Immunity, Oxford University Press, 2002, p. 11.

7. Brownlie, Ian, "Principles of Public International Law", 7th Edition, Oxford, Oxford University Press, 2008, p. 324.

۱-۲. سیر تاریخی مصونیت دولت

مصونیت دولت در گذر زمان دارای دو نظریه بوده است که از آنها با عنوان نظریه مصونیت مطلق و نظریه مصونیت محدود دولت‌ها نام برده می‌شود. در قدیم‌الایام حاکمان و علمای حقوقی به اصل مصونیت مطلق حکام و اموالشان از اعمال صلاحیت پادشاهان دیگر تأکید داشتند. ریشه نظریه مصونیت مطلق را می‌توان در اصل سنتی حقوق رم که مطابق آن «برابرها بر یکدیگر صلاحیت (برتری) ندارند»، یافت.^۱ از اوایل قرن بیستم مهم‌ترین وظیفه و بیشترین تلاش دولت‌ها و حقوق‌دانان بین‌الملل در جهت ممنوع کردن جنگ یا منع توسل به زور در روابط بین‌الملل بود. بدیهی است در چنین شرایطی رویکرد حقوق بین‌الملل در خصوص مصونیت قضایی دولت نیز رویکردی حاکمیت‌گرا بوده است که صیانت دولت‌ها از صلاحیت قضایی محاکم یکدیگر از مظاهر چنین گرایشی به شمار می‌آید. لذا در این دوران به مانند گذشته از نظریه یا دکترین مصونیت مطلق دولت‌ها سخن به میان می‌آید؛ امری که تقریباً استثناپذیر نبوده است.^۲ جنگ جهانی اول و دوم و توسعه سریع و ناگهانی علم در کشورهای اروپای غربی و آمریکا، کشورهای در حال توسعه را بر آن داشت تا به اقتصاد خود سر و سامانی بدهند. چنین توسعه‌ای نیاز به سرمایه‌گذاری وسیعی داشت که از عهده بخش خصوصی خارج بود و یا اینکه دولت مایل نبود سرمایه‌گذاری در این‌گونه صنایع اصلی و مادر را به بخش خصوصی واگذار کند. در این راستا دولت‌ها خود به عنوان تاجر وارد کارهای تجاری شده و انحصار صنایع بزرگی نظیر نفت، پتروشیمی، راه آهن و ... را بر عهده گرفتند. چرخش این صنایع بزرگ نیاز به دادوستد مداوم دولت داشته و در این خصوص چندان به نفع کشورهای اروپای غربی نبود که مصونیت دولت را به فعالیت‌های تجاری و خصوصی وی نیز سرایت دهند. لذا از این تاریخ اصل مصونیت نسبی دولت‌ها جایگزین اصل مصونیت مطلق گردید و در عمل کشورهای اروپایی با انعقاد معاهدات و کنوانسیون‌های دوجانبه و چند جانبه از اصل مصونیت نسبی پیروی نمودند.^۳ طرفداران دکترین مصونیت محدود، مصونیت را صرفاً به فعالیت‌های عمومی اختصاص می‌دهند. مفهومی که تقریباً به اعمال قدرت عمومی یا اعمال مورد قبول در چارچوب مأموریت خدمات عمومی ارتباط دارد. دکترین مصونیت محدود، مراجع قضایی داخلی را به برقراری تفکیک میان فعالیت‌های کشورهای خارجی در سرزمین ملی، یعنی تفکیک میان اعمال حاکمیت و

1. Steinberger, Helmut, "State Immunity" Encyclopedia of Public International Law", vol. 10, Amsterdam, North-Holland, 1989, p. 429.

۲. عبدالمهی و شافع، پیشین، ص. ۱۵.

۳. کمایستانی، پیشین، صص. ۱۴۵-۱۴۶.

اعمال تصدی رهنمون ساخته و تنها فعالیت‌های دسته اول را از مصونیت برخوردار دانسته است.^۱ وسعت پذیرش کلیت نظریه مصونیت محدود در حدی است که آنتونیو کاسسه در سال ۲۰۰۵ اعلام می‌کند که در حال حاضر تقریباً تمام دولت‌ها دکترین مصونیت محدود را پذیرفته‌اند.^۲ برخی حقوق‌دانان از مصونیت قضایی دولت به عنوان سبک اصل حقوق بین‌الملل نام می‌برند. برخی نیز آن را استثنایی بر اصل صلاحیت سرزمینی دولت می‌دانند.^۳ قاعده مصونیت قضایی دولت در پی تحولات نظام حقوق بین‌الملل، استثنائاتی را پذیرفته است؛ از جمله استثنای اعمال تصدی‌گری و پذیرش دکترین مصونیت محدود در اسناد داخلی و بین‌المللی و رویه قضایی. بدیهی است که استثنا اصولاً بر قاعده وارد می‌شود نه بر اصل.^۴ قاعده مصونیت دولت در حال حاضر از وضعیت عرفی در حقوق بین‌الملل برخوردار است، اما در مورد استثناهای این قاعده چنین اتفاق نظری وجود ندارد و دولت‌ها در این موارد استثنا متفق‌القول نیستند. می‌توان گفت «مصونیت دولت معمولاً موضوع رویه قضایی دولت‌ها است».^۵ به تدریج این زمزمه به گوش می‌رسد که حقوق بین‌الملل باید به دنبال صیانت هر چه بیشتر از بشریت در برابر فزون‌طلبی‌های حاکمیت باشد. درست به همین دلیل گفتمان کیفی کردن نقض‌های فاحش حقوق بشر همگانی شد و در واقع دیدگاهی که حاکمیت دولت‌ها را محور حقوق بین‌الملل می‌دانست، به تدریج جای خود را به دیدگاهی داده است که در آن بشریت محوریت دارد.^۶ کنوانسیون اروپایی مصونیت دولت معروف به کنوانسیون بازل در سطح منطقه‌ای با در نظر گرفتن نظریه مصونیت محدود دولت‌ها از سوی کشورهای عضو شورای اروپا تدوین گردیده است.^۷ در مواد یک تا چهارده این کنوانسیون فهرست مواردی تدوین شده است که در آنها دول عضو کنوانسیون

۱. ضیایی بیگدلی، محمدرضا، حقوق بین‌الملل عمومی، چاپ سی‌وهشتم، گنج دانش، ۱۳۸۸، صص. ۱۰۱-۱۰۲.
2. Cassese, Antonio, International Law, 2nd edition, Oxford, Oxford University Press, 2005, p. 101.
۳. از جمله نظرات مشترک قاضی هیگینز، قاضی کوئیجمانز و قاضی بورگنتال در رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه قرار بازداشت (کنگو علیه بلژیک، ۲۰۰۲).
۴. رمضانی قوام‌آبادی، محمدحسین؛ فرخی، رحمت‌اله؛ و شریف جواد شریفی، «مصونیت قضایی دولت خارجی در دادگاه‌های ملی با عنایت به رأی دیوان در قضیه مصونیت صلاحیتی دولت»، مرکز امور حقوقی بین‌المللی ریاست جمهوری، سال سی‌ام، شماره ۴۸، ۱۳۹۲، ص. ۶۸.
۵. عبدالهی و شافع، ۱۳۸۶، ص. ۳۷.
۶. عبدالهی، محسن؛ و حسین خلف رضایی، «معادله تعارض اصل مصونیت دولت با قواعد آمره حقوق بشر»، حقوق تطبیقی (نامه مفید)، شماره ۷۹، ۱۳۸۹، صص ۱۰۳-۱۰۴.
۷. موسوی، سیدعلی، «کنوانسیون ملل متحد درباره مصونیت قضایی دولت‌ها و اموال آنها»، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیستم، شماره ۴، ۱۳۸۵، ص. ۸۷۷.

نمی‌توانند به مصونیت خود در برابر دادگاه‌های اعضای دیگر استناد کنند و ادعایی داشته باشند. فقط ماده پانزده این کنوانسیون اشعار می‌دارد که کشورهای عضو می‌توانند از مصونیت قضایی، غیر از موارد تصریح شده در مواد یک تا چهارده کنوانسیون برخوردار شوند.^۱ در سطح بین‌المللی نیز می‌توان از کنوانسیون ملل متحد راجع به مصونیت قضایی دولت‌ها و اموال آنان نام برد. این کنوانسیون، نخستین سند جدید چند جانبه‌ای است که حاوی رویکردی جامع و فراگیر در باب مسأله مصونیت دولت‌ها از اعمال صلاحیت دادگاه‌های خارجی است. شایان ذکر است که هیچ محدودیتی برای مصونیت دولت‌ها با استناد به نقض حقوق بشر در کنوانسیون اروپایی و همچنین کنوانسیون ملل متحد وجود ندارد. در کنار این کنوانسیون‌ها در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی قوانین داخلی دولت‌ها نیز در ایجاد رویه نقش موثری داشته‌اند. قانون مصونیت حکام خارجی آمریکا نخستین قانون داخلی بود که در سال ۱۹۷۶ به تدوین حقوق بین‌الملل عرفی مصونیت دولت در عرصه ملی پرداخت.^۲ این طرز قانون‌نویسی بعدها مورد استقبال دیگر دولت‌ها قرار گرفته است. این قانون، مصونیت قضایی دولت‌های خارجی در محاکم ایالات متحده را، به جز چند استثنا مانند دعاوی ناشی از فعالیت‌های تجاری در قلمرو آمریکا و یا شبه جرایم ارتكابی توسط عوامل دولتی منجر به صدمه یا مرگ در خاک آمریکا، مورد شناسایی قرار داده است. در اصلاحیه سال ۱۹۹۶ که از رهگذر تصویب قانون ضد تروریسم و مجازات مؤثر اعدام صورت پذیرفت، استثنای جدیدی بر مصونیت دولت‌های خارجی که از سوی وزارت خارجه ایالات متحده به عنوان دولت حامی تروریسم شناخته شده‌اند، وارد گردید. به موجب این اصلاحیه، به محاکم فدرال برای رسیدگی به دعاوی اتباع آمریکایی برای جبران خسارات مالی ناشی از شبه جرم‌های فراسرزمینی شامل شکنجه، خرابکاری در هواپیما، گروگانگیری و قتل فراقضایی، صلاحیت اعطا شده است.^۳

در میان منابع مکتوب حقوق بین‌الملل افزون بر قانون مصونیت حکام خارجی آمریکا قوانین مصونیت انگلستان، استرالیا و کانادا نیز با در نظر گرفتن استثناهای مصونیت دولت‌های خارجی به طور اصولی مصونیت را پذیرفته‌اند.^۴ در ادامه به اهم دعاوی در رابطه با مصونیت دولت می‌پردازیم. رأی دیوان عالی فدرال ایالات متحده

۱. همان.

۲. عبدالهی، محسن، «پیامدهای رأی دیوان در قضیه مصونیت‌های صلاحیتی دولت بر نقض مصونیت ایران در محاکم آمریکا»، در: زمانی، سیدقاسم، جامعه بین‌الملل و حقوق بین‌الملل در قرن بیست و یکم، چاپ دوم، شهر دانش، ۱۳۹۳، ص. ۶۴۴.

۳. عبدالهی و خلف رضایی، پیشین، ص. ۱۰۹.

۴. عبدالهی و شافع، پیشین، ص. ۵۴.

آمریکا در قضیه شونر اکسچنج^۱، به عنوان اولین بیان قضایی مصونیت دولت‌ها، مبنای حقوقی آن را این‌گونه بیان می‌دارد: «جهان از حاکمیت‌های متمایزی تشکیل شده است که از استقلال و حقوق برابر برخوردارند. منافع متقابل، آنها را به مراوده و برقراری روابط با یکدیگر سوق می‌دهد و به همین خاطر رفتار متقابل توأم با حسن‌نیت که مقتضی اخلاق انسانی است حکم می‌کند که حاکمیت‌ها تحت شرایط خاصی، از اعمال صلاحیت انحصاری سرزمینی خود علیه دولت‌های دیگر انصراف دهند.»^۲ در قضیه بوذری علیه ایران، دیوان عالی کانادا در رأی خود مقرر کرد که هیچ اصل عرفی حقوق بین‌الملل بر وجود چنین استثنایی بر مصونیت دولت هرگاه که این فعل (ولو مستند به قاعده آمره) خارج از صلاحیت دادگاه رخ داده باشد، دلالت ندارد. در نتیجه، شمول اصل مصونیت را در اینجا محقق دانست. در دعوای جونز علیه عربستان سعودی، مجلس اعیان انگلیس نیز با استناد به استدلال دیوان مبنی بر اینکه نقض قاعده آمره حقوق بین‌الملل شرط کافی برای ایجاد و احراز صلاحیت نیست و اینکه قواعد آمره قواعدی ماهوی بوده و نمی‌توانند بر مصونیت که قاعده شکلی است، تأثیر داشته باشد، حکم به مصونیت پادشاهی عربستان در قبال اتهام شکنجه داد و اعلام نمود چنین قواعدی به خودی خود باعث نادیده‌گرفتن سایر قواعد حقوق بین‌الملل نیست.^۳ دیوان اروپایی حقوق بشر نیز در دعوای الادسانی علیه بریتانیا مقرر کرد که اعطای مصونیت فارغ از توصیف حق ماهوی، مانع شکلی بر صلاحیت و اختیار دادگاه داخلی در بررسی اختلاف می‌باشد.^۴ مصونیت دولت‌ها در گذر زمان در حال تغییر و تحول است و تا به امروز با چالش‌های متفاوتی مواجه شده است. یکی از این چالش‌ها نظر دیوان در قضیه آلمان علیه ایتالیا است که در ادامه به بررسی آن می‌پردازیم.

۲. قضیه آلمان علیه ایتالیا

آلمان در اواخر دسامبر ۲۰۰۸ یک دعوای حقوقی علیه ایتالیا در دیوان ثبت کرد و مدعی شد که ایتالیا تعهدات بین‌المللی خود در قبال آلمان را نقض کرده است. آلمان در درخواست خود بیان کرد: «در سال‌های اخیر، مراجع قضایی ایتالیا به طور مکرر مصونیت قضایی آلمان را به عنوان یک دولت دارای حاکمیت نادیده گرفته‌اند. نقطه اوج

1. Schoner exchange v. Mcfadden

2. Harris, David, "Cases and Material on International Law", 6th edition, London, Sweet & Maxwell, 2005, p. 308.

۳. عبدالهی و خلف رضایی، پیشین، ص ۱۱۱.

4. Al-Adsani v. United Kingdom, European Court of Human Rights, (no.2) (35763/97), 2001, para. 48.

این اقدامات، در رأی دادگاه عالی تجدیدنظر^۱ ایتالیا در پرونده فرینی^۲ است که در آن دادگاه اعلام کرد که ایتالیا صلاحیت رسیدگی به دعوای فردی که در جریان جنگ جهانی دوم به آلمان تبعید شده است تا در صنایع اسلحه‌سازی به عنوان نیروی کار اجباری به کار گرفته شود را دارا است.^۳ به طور کلی، دادگاه تجدیدنظر فلورانس اعلام کرد که مصونیت قضایی مطلق نیست و کشوری که مرتکب جنایات بین‌المللی شده است، نمی‌تواند به آن استناد کند.^۴ پس از این رأی، دعوای متعددی علیه آلمان توسط اشخاصی که در اثر مخاصمات مسلحانه دچار آسیب شده بودند، در محاکم ایتالیایی مطرح گردید. در سال ۱۹۹۵ قربانیان این قتل عام با هدف جبران خسارت جانی و مالی، علیه آلمان شکایت کردند. دادگاه یونان در اولین پرونده مربوط به لیوادی^۴ آلمان را به جبران خسارت برای وارثان قربانیان قتل عام محکوم کرد. شاکیان پرونده دیستومو مجوز اجرای حکم را درخواست کردند ولی وزیر دادگستری آن را نپذیرفت. در نتیجه احکام بر علیه آلمان در یونان اجرایی نشد.^۵ محکوم‌له‌های پرونده، شناسایی و اجرای رأی مزبور را از دادگاه فلورانس ایتالیا درخواست کردند و دادگاه تجدید نظر فلورانس در ۱۳ ژوئن سال ۲۰۰۶ توقیف یک مال غیر منقول متعلق به آلمان در ایتالیا یعنی ویلای وگونی^۶ را مورد پذیرش قرار داد.^۷

۲-۱. استدلال‌های آلمان و ایتالیا

۲-۱-۱. استدلال‌های آلمان

آلمان در درخواست خود از دیوان تقاضا نمود تا رأی دهد که ایتالیا به واسطه مجاز شمردن طرح دعوای مدنی علیه آلمان در دادگاه‌هایش به نفع صدمه‌دیدگان جنگ جهانی دوم که به واسطه نقض حقوق بشردوستانه توسط آلمان نازی آسیب دیده‌اند، قواعد حقوق بین‌الملل مربوط به مصونیت آلمان را نقض کرده است؛ همچنین ایتالیا از طریق اعمال محدودیت بر علیه ویلایی در وگونی ایتالیا که جزء اموال دولتی آلمان بوده و نیز از طریق اجرا نمودن تصمیمات دادگاه‌های یونان علیه آلمان در ایتالیا، مصونیت

1. corte di Cassazione
2. Ferrini
3. Bianchi, Andrea, "Ferrini v. Federal Republic of Germany", *American Journal of International Law*, Vol. 107, 2005, p. 244.
4. Livadia
5. Finke, Jasper, "Sovereign Immunity: Rule, Comity or Something Else?" *European Journal of International Law*, Vol. 21, No. 4, 2010, p. 855.
6. Villa Vigoni
7. Pittrof, Sabine, "Compensation Claims for Human Rights Breaches Committed by German Armed Forces Abroad During the Second World War: Federal Court of Justice Hands Down Decision in the Distomo Case", *German Law Journal*, Vol. 15, 2004, p.18.

آلمان را نادیده گرفته است. ایتالیا در این خصوص دارای مسئولیت بین‌المللی بوده و باید هرگونه تدبیر لازم را اتخاذ نماید تا حصول اطمینان شود که تصمیمات محاکم ایتالیایی و سایر محاکم قضایی که مستلزم نقض مصونیت آلمان هستند، قابلیت اجرایی خود را از دست بدهند. ایتالیا باید هرگونه تدبیر لازم را اتخاذ نماید تا اطمینان حاصل شود که در آینده، محاکم ایتالیایی از ورود به دعاوی علیه آلمان خودداری خواهد نمود.^۱

۲-۱-۲. استدلال‌های ایتالیا، پاسخ آلمان و دعاوی متقابل ایتالیا

در پاسخ به دعاوی آلمان، ایتالیا در تاریخ ۲۳ دسامبر ۲۰۰۹ اقدام به طرح دعاوی متقابل کرد. ایتالیا ادعا کرد که آلمان با خودداری از پرداخت غرامت به اتباع ایتالیایی که قربانی جرایم جنگی و جنایات علیه بشریت توسط آلمان نازی بوده‌اند، تعهدات خود را نقض کرده و دارای مسئولیت بین‌المللی است. همچنین آلمان باید اقدام متخلفانه خود را متوقف کند (ایتالیا ادعا کرد که خودداری از پرداخت خسارت توسط آلمان نوعی اقدام متخلفانه محسوب می‌شود و باید این ترک فعل متوقف شود) و به انتخاب خود غرامت مناسب و مؤثر به قربانیان بپردازد.^۲ آلمان در رد دعاوی متقابل، به قاعده محدودیت زمانی استناد جست و بیان داشت که مقررات کنوانسیون اروپایی نسبت به اختلافات ناشی از حقایق و وضعیت‌های مقدم بر زمان لازم‌الاجرا شدنش (یعنی ۱۸ آوریل ۱۹۶۱) قابلیت اجرایی ندارد.^۳ دیوان بیان کرد که هر چند در درخواست‌های ارسال شده از طرفین پرونده اشاره‌ای به حقایق ریشه‌ای و تاریخی اختلاف نشده است ولی برای روشن‌تر شدن موضوع بهتر است این مسأله مورد بررسی اجمالی قرار بگیرد. بین سال‌های ۱۹۴۳ تا ۱۹۴۵ نیروهای آلمان نازی مرتکب جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت علیه شهروندان ایتالیا شدند. در ۱۰ فوریه ۱۹۴۷، نیروهای متفقین یک قرارداد صلح با ایتالیا امضا کردند که از لحاظ قانونی و اقتصادی عواقب جنگ برای ایتالیا را قانون مند می‌کرد. در سال‌های بعد ایتالیا و آلمان توافقنامه‌های دیگری برای جبران خسارت صدمه‌دیدگان جنگ امضا کردند که همان توافقنامه‌ها مبنای رسیدگی‌ها در

1. Germany. v. Italy. 2011, I.C.J. 143, Greece requests permission to intervene in the proceedings, summary, press release, unofficial, [online], available at: <http://www.icj-cij.org/docket/files/143/16294.pdf>, pp. 2-3.
2. Reports of Judgments, Advisory Opinions and Orders Jurisdictional Immunities of The State (Germany V. Italy: Greece Intervening) Judgment Of 3 February 2012, [online], (last visited: 7/9/2013), Available at: <http://www.icj-cij.org/docket/files/143/16883.pdf>
3. Reports of judgments, advisory opinions and orders, jurisdictional immunities of the state (Germany v. Italy: Greece intervening), summary of the Judgment of 3 February 2012, p.1, [online], (last visited: 7/9/2013), Available at: <http://www.icj-cij.org/docket/files/143/16899.pdf>

ایتالیا بودند. سپس دیوان به موضوع ادعای متقابل بازگشت که آیا بر طبق ماده ۸۰ اساسنامه دیوان ادعای متقابل قابل طرح بوده یا خیر. براساس این ماده، ادعا باید به موضوع اصلی دعوا مرتبط و در صلاحیت دیوان باشد. در رابطه با موضوع، دیوان بیان داشت که موضوع ادعای متقابل نقض تعهد به جبران خسارت توسط آلمان است در حالی که موضوع دعوی اصلی نقض مصونیت آلمان توسط ایتالیا می‌باشد. پس اساساً موضوع مرتبط نیست. سپس دیوان به مبنای صلاحیتی خود در ادعای متقابل، می‌پردازد. ماده ۲۷ کنوانسیون اروپایی مقرر کرده است که «اختلافات مربوط به وقایع و موقعیت‌هایی که قبل از اجرایی شدن کنوانسیون بین طرفین اختلاف می‌باشد، خارج از شمول کنوانسیون است.» کنوانسیون مزبور از سال ۱۹۶۱ بین طرفین اجرایی شد و دیوان مطرح کرد که با وجود اینکه موضوع اختلافات رسیدگی‌های سال ۲۰۰۵ به بعد می‌باشد، اما وقایع مورد رسیدگی مربوط به قبل از سال ۱۹۶۱ می‌باشند.^۱ آلمان می‌پذیرد که از وظایفش در قبال ایتالیا قصور کرده است اما براساس بخش اول ماده ۲۷ کنوانسیون اروپایی موضوع مطرح شده توسط ایتالیا در محدوده زمانی این کنوانسیون قرار نمی‌گیرد. بنابراین دیوان در دعوی متقابل صلاحیت ندارد و بر همین اساس دعوی متقابل ایتالیا را رد نمود و وارد ماهیت دعوا شد.^۲

۲-۲. رویکرد قضایی دیوان

این پرونده در اصل حاوی رفتارهای غیرانسانی و شنیعی است که نیروهای نظامی آلمان و نازی در طی سال‌های ۱۹۴۳ - ۱۹۴۵ علیه مردم ایتالیا مرتکب شده بودند. در خصوص غیرقانونی بودن این اعمال هیچ شکی وجود نداشت و در طی مراحل رسیدگی هیچ اعتراضی نسبت به این مسأله نشد. در واقع آلمان مسئولیت خود را در این زمینه پذیرفت. دیوان بیان داشت که مصونیت برگرفته از حقوق بین‌الملل عرفی^۳ است و نمی‌توان بر اساس معاهدات بین‌المللی آن را نقض نمود. طرفین دعوا در مورد اعتبار و اهمیت مصونیت دولت به عنوان بخشی از حقوق بین‌الملل عرفی اتفاق نظر دارند.

۱. ایتالیا معتقد بود ادعای متقابلش در مورد موضوع آرای دادگاه‌های ایتالیایی است که در چند سال اخیر حکم داده‌اند. در حالی که آلمان معتقد بود ادعای متقابل ایتالیا مربوط به وقایع و جرایم جنگی سال‌های ۱۹۴۳ تا ۱۹۴۵ است.

2. Reports of judgments, advisory opinions and orders, order 6 July 2010, jurisdictional immunities of the state (Germany v. Italy: Greece intervening), (online), (last visited: 21/11/2014), available at: <http://www.icj-cij.org/docket/files/143/16027.pdf>
3. Customary International Law

اختلاف نظر آنها در خصوص چگونگی اعمال قاعده و تعیین قلمرو مصونیت دولت است. برطبق اصول بیان شده در تفسیر ماده ۳ طرح کمیسیون حقوق بین الملل در مورد مسئولیت دولت‌ها، براساس قاعده‌ای قانونی بودن عمل را سنجید که در زمان ارتکاب عمل، قابلیت اجرایی داشته است. در این حالت باید بین اعمال آلمان و ایتالیا تفاوت گذاشت. به همین دلیل دیوان صرفاً به عمل ایتالیا که نقض مصونیت بود، پرداخت و بیان داشت که مهم نیست که در زمان ارتکاب عمل در رابطه با مصونیت چه عرف بین‌المللی وجود داشته باشد. مهم این است که در هنگام نقض مصونیت در مراحل رسیدگی دادگاه‌های ملی قاعده عرفی مصونیت موجود باشد. هر دو طرف قبول دارند که در رابطه با اعمال حاکمیتی، دولت‌ها به طور کلی دارای مصونیت هستند ولی ایتالیا نسبت به این مصونیت اعتراض دارد و آلمان را مستحق آن ندانسته است.^۱ در واقع دیوان طی یک جمع‌بندی مختصر استدلال‌های ایتالیا را جهت نقض مصونیت آلمان این‌گونه بیان نمود: «علیرغم اینکه مصونیت برای اعمال حاکمیتی دولت در نظر گرفته می‌شود ولی شامل شکنجه، فوت، صدمه به شخص و یا آسیب به اموال در قلمرو سرزمین دادگاه نمی‌شود. بدون توجه به محل ارتکاب عمل، باز هم آلمان را نمی‌توان مستحق مصونیت دانست.»^۲ آلمان ابراز کرد که غیر از پرونده‌های ایتالیایی و پرونده دیستومو در یونان هیچ دادگاه ملی دیگری حکم به عدم مصونیت دولتی در رابطه با اعمال نیروهای مسلحش نداده است. درمقابل، دادگاه‌های چندین کشور مختلف صراحتاً صلاحیت خود را در رابطه با چنین پرونده‌هایی رد کرده و حکم داده‌اند که کشور مزبور دارای مصونیت است.^۳ دیوان با تعمق در رویه‌های بین الملل سه حوزه مختلف را مورد بررسی قرار داد.^۴ در ابتدا به بررسی کنوانسیون‌ها و معاهدات بین‌المللی از جمله کنوانسیون اروپایی مصونیت دولت و کنوانسیون سازمان ملل پرداخت. دیوان این سؤال را مطرح کرد که آیا ماده ۱۱ کنوانسیون اروپایی مصونیت دولت یا ماده ۱۲ کنوانسیون ملل متحد، دیدگاه ایتالیا را مبنی بر اینکه «آلمان به خاطر نوع عملی که مرتکب شده مستحق مصونیت نیست»، تأیید می‌کند یا خیر. در پاسخ دیوان اذعان داشت که به دلیل آنکه در ماده ۱۲ کنوانسیون مزبور قید «رخداد جرم در سرزمین محل دادگاه» وجود دارد، این ماده قابل استناد نیست. ماده ۱۱ کنوانسیون اروپایی نیز به دلیل وجود

1. Germany v. Italy, 2012, I.C.J., para. 61.

2. Ibid

3. Ibid. para. 62.

4. Ibid. para. 63.

ماده ۳۱^۱ و تفسیر آن (که خود ناقض ماده ۱۱ می باشد) قابل استناد نیست. شایان ذکر است که نه آلمان و نه ایتالیا این کنوانسیون را امضا نکرده‌اند.^۲ حوزه دوم رویه دولت‌ها در شکل‌دهی قانون ملی آنها می‌باشد. دیوان قوانین ۱۰ دولتی^۳ که طرفین پرونده از آنها نام برده‌اند را مورد بررسی قرار داد و در حوزه سوم دیوان دادگاه‌های کشورهای ایرلند، اسلوانی، ایالات متحده آمریکا و یونان را بررسی و بیان داشت که تنها کشور غیر از ایتالیا که چنین احکامی دارد فقط رأی دادگاه عالی یونان در قضیه دیستومو است. دیوان به این نتیجه رسید که عرف بین‌الملل شامل استثنای شبه‌جرم نسبت به مصونیت دولت برای اعمال حکومتی نمی‌شود و علیرغم آنچه که ایتالیا در رسیدگی مورد بحث قرار داده است، تصمیم دادگاه‌های ایتالیایی برای نادیده‌گرفتن مصونیت آلمان براساس اصل شبه‌جرم سرزمینی قابل توجیه نیست.^۴ ایتالیا، نادیده گرفتن مصونیت در رابطه با ماهیت ویژه اعمالی که شکل‌دهنده موضوع دعاوی در دادگاه‌های ایتالیایی می‌باشند و شرایطی که در آن دعاوی مطرح شده است را توجیه‌پذیر می‌دانست و سه دسته استدلال را در این راستا مطرح نمود: اولین استدلال این بود که اعمال موضوع شکایت در حکم نقض فاحش حقوق بین‌الملل در مورد جنگ‌های مسلحانه، جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت بوده‌اند. دومین استدلال این بود که قواعد حقوق بین‌الملل که نقض شده‌اند از هنجارهای تخطی‌ناپذیر حقوق بین‌الملل (یعنی قواعد آمره) بوده‌اند. سومین استدلال نیز این بود که شاکیان از انواع دیگر جبران خسارت محروم شده‌اند و قضاوت دادگاه‌های ایتالیا آخرین نقطه امید آنها بوده است.^۵ در رابطه با استدلال اول ایتالیا، دیوان در ابتدا به تبیین این موضوع پرداخت که آیا نقض فاحش حقوق بشردوستانه و حقوق حاکم بر جنگ‌های مسلحانه، مصونیت دولت را محدود می‌کند یا خیر. دیوان مصونیت را در دو نقطه شروع به رسیدگی و مراحل رسیدگی تبیین کرد و بیان داشت که دولت مستحق مصونیت و در هر دو عرصه از مصونیت برخوردار است. دیوان اذعان داشت که حقوق بین‌الملل عرفی با مصونیت

۱. ماده ۳۱- کنوانسیون اروپایی: «کنوانسیون تمایل به اعمال نسبت به شرایطی که ممکن است در زمینه جنگ نظامی به وجود آمده باشد، ندارد. همچنین نمی‌خواهد در حل مشکلاتی که ممکن است بین دولت‌های دوست و در نتیجه وضع نیروها به وجود بیاید، دخالت کند. این مشکلات اغلب با توافقات ویژه حل‌وفصل می‌شوند.»

2. *Germany v. Italy*, 2012, I.C.J., para. 70.

۳. ایالات متحده آمریکا، بریتانیای کبیر، کانادا، استرالیا، سنگاپور، آرژانتین، اسرائیل، ژاپن، آفریقای جنوبی، و پاکستان (برگرفته از پاراگراف ۷۰ رأی دیوان).

4. *Germany v. Italy*, 2012, I.C.J., para. 79.

5. *Ibid.* para. 80.

دولت به عنوان قاعده‌ای که به شدت نقض قاعده وابسته باشد، نمی‌نگرد و این مسأله را از رویه دولت‌ها در دیگر کشورها استنباط می‌کند.^۱ دیوان قضایی را از کانادا، فرانسه، اسلوونی، زلاندنو، لهستان و انگلستان ذکر می‌کند که دادگاه‌های این کشورها، محرومیت کشوری را از مصونیت به علت نقض فاحش حقوق بشر، جرایم جنگی و جرایم علیه بشریت نپذیرفته‌اند.^۲ در ادامه ایتالیا به اصلاحیه ایالات متحده در مورد قانون مصونیت دولت که برای اولین بار در ۱۹۹۶ تصویب شد، استناد می‌کند. این اصلاحیه مصونیت را در صورتی که آن دولت توسط ایالات متحده به عنوان کشور حامی تروریسم شناخته شود، در خصوص اعمال مشخص مانند شکنجه و قتل‌های فراقضایی^۳ نادیده می‌گیرد. دیوان مقرر نمود که این اصلاحیه بر قانون دیگر کشورها تأثیری نداشته و هیچ کشور دیگری چنین قانونی وضع نکرده است. بعد از بررسی رویه‌های دولتی و بین‌المللی، دیوان به این نتیجه رسید که در چارچوب حقوق بین‌الملل عرفی موجود، یک دولت به علت متهم شدن به نقض آشکار حقوق بشر یا حقوق بین‌الملل حاکم بر جنگ‌های مسلحانه، از حق مصونیت خود محروم نمی‌شود. در رابطه با شاخه دوم استدلال ایتالیا دیوان بیان کرد که حتی به فرض اینکه حقوق حاکم بر جنگ‌های مسلحانه از قواعد آمره حقوق بین‌الملل باشند، هیچ تعارضی بین آن قوانین و قواعد مصونیت دولت‌ها وجود ندارد. دیوان بیان کرد که این دو مجموعه قوانین موضوعه‌های متفاوتی را مطرح می‌کنند. قوانین مصونیت دولت‌ها تعریف شده‌اند تا معین کنند که آیا دادگاه‌های یک دولت می‌توانند صلاحیت‌شان را در رابطه با دولت دیگر اعمال کنند یا خیر؛ و نمی‌توانند قانونی بودن یا نبودن یک موضوع را مورد کنکاش قرار دهند. دیوان اضافه کرد که این استدلال که بر پایه مقدم بودن قواعد آمره حقوق بین‌الملل نسبت به مصونیت دولت‌ها توسط دادگاه‌های ملی استوار است، مردود است.^۴ دیوان بخش سوم و پایانی استدلال ایتالیایی‌ها را نیز بدون اعتبار دانست. دیوان نتوانست هیچ مبنایی در رابطه با رویه‌های ملی و بین‌المللی پیدا کند که حقوق بین‌الملل، حق یک دولت نسبت به مصونیت را معطوف به وجود روش‌های جایگزین مؤثری برای تضمین پرداخت غرامت کرده باشد.^۵ دیوان بر این واقعیت اصرار دارد که استحقاق یک دولت جهت برخورداری از مصونیت

1. Ibid. para. 84.

2. Ibid. para. 85.

3. Extra-judicial killings

4. Ibid. paras. 94-97.

5. Ibid. paras. 98-99.

نزد محاکم کشور دیگر، موضوعی کاملاً متمایز از این حقیقت است که آن دولت دارای مسئولیت بین‌المللی و متعهد به پرداخت خسارت است.^۱ در واقع دیوان مسأله مصونیت را موضوعی شکلی می‌داند که از دادگاه‌های داخلی سایر کشورها نفی صلاحیت می‌نماید و این بدین معنا نیست که نقض قاعده‌ای توسط دولت دارای مصونیت صورت نپذیرفته است؛ زیرا صرفاً دادگاه‌های داخلی صلاحیت رسیدگی به عمل خلاف حقوق بین‌الملل دولت ذی‌ربط را ندارند. این احتمال وجود دارد که محاکم بین‌المللی در صورت وجود مبانی صلاحیتی‌شان وارد رسیدگی به آن اعمال شوند. دیوان، رأی خود را در تاریخ سوم فوریه ۲۰۱۲ صادر کرد. طبق این رأی، ایتالیا با تجویز طرح دعوی مدنی علیه آلمان در خصوص نقض حقوق بشردوستانه بین‌المللی توسط آلمان نازی، اتخاذ اقدامات اجرایی در رابطه با اموال آلمان در ایتالیا (ویلا و ویگونی) و همچنین با لازم‌الاجرا دانستن آرای دادگاه‌های یونان در رابطه با نقض حقوق بشردوستانه در یونان توسط آلمان نازی در دادگاه‌های ایتالیا، تعهد خود را در خصوص احترام به مصونیتی که آلمان طبق حقوق بین‌الملل از آن برخوردار می‌باشد را نقض کرده است. دیوان به ایتالیا توصیه کرد که دعاوی قربانیان ایتالیایی طی مذاکراتی با حضور دو دولت مربوطه با رویکرد حل مسأله مورد حل و فصل قرار گیرد.^۲ طبق رأی دیوان، ایتالیا متعهد است که آثار نقض‌های گذشته و مستمر مصونیت آلمان را با قانون‌گذاری یا اتخاذ اقدامات قانونی مناسب یا با توسل به شیوه‌های دیگر به انتخاب خود و اعاده وضع به حال سابق از بین ببرد.^۳

۳. نظر دیوان: چالش‌ها و راهبردها

۳-۱. نقض فاحش حقوق بشر در قالب قاعده آمره در مواجهه با مصونیت دولت

در تبیین مفهوم قاعده آمره، دیوان در قضیه بارسلونا ترکشن اظهار داشته است که «به‌ویژه باید بین تعهدات دولت‌ها نسبت به دولت‌های دیگر تفکیک اساسی قائل شد. ماهیت تعهدات دسته اول به گونه‌ای است که به تمامی دولت‌ها ارتباط دارد ... این دسته از تعهدات، تعهدات عام‌الشمول می‌باشند.^۴ مطابق تعریف مندرج در ماده ۵۳ کنوانسیون وین ۱۹۶۹، «معاهده‌ای که در زمان انعقاد با یک قاعده آمره حقوق بین‌الملل عام در تعارض باشد، باطل است. با ورود قاعده آمره به کنوانسیون حقوق

1. Ibid. para. 100.

2. Ibid. para. 104.

3. Ibid. para. 137.

۴. عبدالحی و خلف رضایی، پیشین، ص. ۱۰۵.

معاهدات (ماده ۵۳) و اعلام بطلان معاهدات معارض، ایده برتری آن قواعد آمره بر قواعد عادی در تمامی حوزه‌ها از مقبولیتی گسترده در نظام حقوق بین‌الملل برخوردار گشت. در حوزه حقوق مصونیت دولت‌ها نیز این سؤال مطرح شد که چه رابطه‌ای میان قواعد آمره با قواعد رعایت مصونیت دولت‌ها برقرار است. در پاسخ به این سؤال، دکترین حقوقی پاسخ متفاوتی ارائه داده است. گروهی به برتری قواعد آمره بر قواعد عادی حقوق بین‌الملل، از جمله مصونیت دولت‌ها، حکم داده‌اند. عده‌ای نیز رعایت مصونیت دولت‌ها را حتی در موارد نقض قواعد آمره لازم می‌دانند (البته با رعایت دیگر محدودیت‌ها بر مصونیت).^۱ گروه اول حقوق‌دانان قائل به برتری قواعد آمره بر قواعد عادی حقوق بین‌الملل، از جمله مصونیت دولت‌ها می‌باشند. اصولاً این حقوق‌دانان تفکیک میان قواعد شکلی و ماهوی در نظام حقوق داخلی را به همان شکل قابل‌تعمیم به نظام حقوق بین‌الملل نمی‌دانند.^۲ گروه دوم از حقوق‌دانان رعایت مصونیت دولت‌ها را حتی در موارد نقض قواعد آمره لازم می‌دانند، البته با رعایت دیگر محدودیت‌ها بر مصونیت، از جمله فقدان مصونیت در مورد اعمال تصدی‌گری.^۳ حامیان این رهیافت، بر این باورند که میان قواعد آمره و قواعد مصونیت دولت‌ها تعارضی وجود ندارد، زیرا قاعده مصونیت دولت‌ها به حوزه اجرای قواعد ماهوی مربوط می‌شود و به محتوای قواعد آمره نمی‌پردازد و به آن ارتباطی ندارد. در واقع در این رهیافت، میان حوزه قواعد ماهوی و عرصه قواعد شکلی تفاوت و تمایز وجود دارد و این دو مجموعه، ارتباط و تعاملی با یکدیگر ندارند.^۴ حقوق‌دانان گروه دوم معتقدند که رعایت مصونیت دولت خارجی به معنی رها کردن قربانی بدون حمایت در عرصه بین‌المللی نیست.^۵ مصونیت دولت‌ها هرچند صرفاً قاعده‌ای تکنیکی است؛ اما مبتنی بر یک اصل اساسی حقوق بین‌الملل یعنی اصل تساوی حاکمیت دولت‌ها است. لذا محاکم داخلی نیز متعهد به رعایت آن هستند.^۶ اهداف مصونیت دارای ارزش ذاتی است. حقوق بین‌الملل به دنبال تطابق این ارزش‌ها برای مقابله با بی‌کیفری است نه برتری یک هنجار بر هنجار دیگر. هنوز رویه

۱. عزیززی، ستار، «تعامل مصونیت دولت‌ها و قواعد آمره در پرتو رأی مصونیت صلاحیتی ۲۰۱۲»، مجله دانشکده

حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۴۳، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۲، ص. ۱۴۹.

2. Orakhelashvili, Alexander, "State Immunity and Hierarchy of Norms: Why the House of Lords Got it Wrong", *The European Journal of International Law*, Vol. 18, no. 5, 2008, p. 968.

3. Akande, Dapo, "International Law Immunities and the International Criminal Court", *American Journal of International Law*, Vol. 98, No.3, 2004, p. 407.

۴. عزیززی، پیشین، ص. ۱۴۹.

5. Zimmermann, Andreas, "Sovereign Immunity and Violations of International Jus Cogens: Some Critical Remarks", *Michigan Journal of International Law*, Vol. 16, 1995, p. 438.

6. Ibid, p. 440.

منسجمی وجود ندارد که قائل به رد مصونیت دولت‌ها در موارد نقض قواعد آمره به‌ویژه در موارد شکنجه باشد.^۱ دیوان در رأی خود در قضیه آلمان علیه ایتالیا ابراز داشت که در حقوق بین‌الملل عرفی در حال حاضر یک دولت به علت متهم‌شدن به نقض آشکار حقوق بشر یا حقوق بین‌الملل مخاصمات مسلحانه، از حق مصونیت خود محروم نمی‌شود.^۲ ویژگی قاعده مصونیت دولت که دارای طبیعت شکلی است بدون داشتن محتوای ماهوی «که بر اساس آن بتوان حکم آمرانه‌ای را اجرا نمود» توسط صاحب‌نظران سرآمد حقوق بین‌الملل مورد پذیرش قرار گرفته که به تفکیک اساسی بین قاعده آمره و مصونیت دولت اعتقاد دارند. دیوان در خصوص مصونیت قضایی دولت این دیدگاه را پذیرفت و نظر دیگر حقوق‌دانان را که قائل به صوری بودن افتراق این دو قاعده بوده‌اند و این افتراق را باعث فاصله گرفتن از واقعیت‌های حمایت از حقوق بشر می‌دانند، نادیده می‌انگارد.^۳

۳-۲. ابعاد شکلی قاعده مصونیت دولت

قواعد شکلی قواعد حاکم بر تفسیر، ایفا و اجرای قضایی و غیرقضایی قواعد ماهوی است که مربوط به صلاحیت دادگاه‌ها و محاکم از قبیل قواعد مربوط به مصونیت قضایی، قواعد مربوط به قابلیت پذیرش یک دعوا یا درخواست، قواعد آیین دادرسی و قواعد مربوط به ایفای مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی است. اگر چه این قواعد با قواعد مربوط به جبران خسارت رابطه تنگاتنگی دارد اما این قواعد با قواعد ثانویه یکسان نیستند.^۴ قواعد ماهوی حقوق و تعهدات و معیارهای یک رفتار و وضعیت حقوقی، حق یا ادعا و شرایط را مشخص می‌کند، مفاهیم حقوقی را تبیین کرده و مسئولیت بین‌المللی دولت و مسئولیت کیفری بین‌المللی را بنیان می‌نهند.^۵ بین قواعد ماهوی و قواعد شکلی تفاوت‌های مهمی وجود دارد. نخست اینکه ممکن است قواعد شکلی از دادگاهی به دادگاه دیگر متفاوت باشد اما قواعد ماهوی در کلیه محاکم یکسان هستند. دوم اینکه در اغلب موارد، قواعد شکلی به منظور جلوگیری از آغاز جریان رسیدگی در یک دادرسی، مورد استناد قرار می‌گیرند، در حالی که قواعد ماهوی در مورد آنچه که نقض شده است مورد استناد واقع می‌شود. سوم اینکه، قواعد شکلی تابع اصل عطف به ما سبق نشدن نمی‌باشند؛ در حالی که اصل مذکور در مورد قواعد ماهوی،

1. Cassese, Op. cit., p. 106-107.

2. Germany v. Italy, 2012, I.C.J., Op. cit., para. 91.

3. Talmon, Stefan, "Jus Cogens after Germany v. Italy: Substantive and Procedural Rules Distinguished", Leiden Journal of International Law, Vol. 25, 2012, p. 11.

4. Talmon, Op. cit., p. 982.

5. Ibid., p. 981.

اعمال می‌شود.^۱ اگر چه ممکن است بین قواعد شکلی و ماهوی در حقوق بین‌الملل، ارتباطی وجود داشته باشد، اما این امر لزوماً به معنای تعارض بین این دو نوع قواعد نیست.^۲ دیوان ابراز داشت که قواعد آمره از لحاظ سلسله مراتبی نمی‌تواند به خودی خود جایگزین قواعد مصونیت دولت گردد. تصمیم دیوان بر این منطق استوار است که هیچ تعارضی بین این دو دسته از قواعد وجود ندارد.^۳ قاضی ترینیداد در نظر مخالف خود بیان کرده است که بسیار مهم است که به تمامی جرایم بزرگ از منظر شروع به تمایل ارتکاب آن نگریسته شود، بدون در نظر گرفتن اینکه چه کسی آن را مرتکب شده است. سیاست کیفری دولت و غرامت حاصل از ارتکاب جرایم چیزهایی نیستند که بتواند تحت عنوان مصونیت دولت منتفی شود.^۴ هنگامی که دولتی اقدام به کشتار بخشی از جمعیت خود می‌نماید نمی‌توان پنهان شدن آن پشت عنوان مصونیت قضایی را پذیرفت.^۵ نقض فاحش حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین‌المللی در قالب جرایم بین‌المللی بر خلاف عدالت و قاعده آمره است و نمی‌توان آن را به راحتی، با تکیه بر مصونیت دولت از بین برد و به فراموشی سپرد.^۶ قاضی گاجا معتقد است که بازبینی رویه دولت‌ها توسط دیوان به طور کافی انجام نگرفته است، چرا که غنای آرای وحدت رویه دادگاه‌های ایتالیایی و اهمیت این آراء را به عنوان شواهدی دال بر ظهور استثنایی جدید بر قاعده مصونیت قضایی دولت به حساب نیاورده است. به نظر می‌رسد که دیوان خود به محدود ساختن طیف تحقیقات خود پرداخته و رویکردی مضیق را نسبت به امکان وجود استثناهای جدید در مورد مصونیت قضایی اتخاذ نموده است.^۷ دکترین مصونیت، با این دیدگاه دیوان هیچ‌گاه پیشرفت نخواهد کرد. قضات از تحقیق در مورد ماهیت و هدف عملی که انجام شده است، به واسطه اینکه مصونیت موضوعی شکلی است که باید

۱. نواری، علی، «رأی دیوان در قضیه اختلاف بین آلمان و ایتالیا: موازنه بین حقوق بین‌الملل کلاسیک و مدرن»، در: زمانی، سیدقاسم، جامعه بین‌الملل و حقوق بین‌الملل در قرن بیست و یکم، چاپ دوم، شهر دانش، ۱۳۹۳، ص. ۶۷۶.

2. Bastin, Lucas, "International Law and the International Court of Justice's Decision in Jurisdictional", *Melbourne Journal of International Law*, Vol. 13, 2012, p. 16.
3. Ibid, paras. 94-97.
4. Dissenting opinion of Judge CançadoTrindade, in the case concerning Jurisdictional Immunities of the State (Germany v. Italy: Greece intervening), (2012), [online], (last visited: 7/9/2013), para.303, available at: <http://www.icj-cij.org/docket/files/143/16891.pdf>
5. Ibid, para. 305.
6. Ibid, para. 306.
7. Dissenting opinion of judge ad hoc Gaja, in the case concerning Jurisdictional Immunities of the State (Germany v. Italy: Greece intervening), (2012), [online], (last visited: 7/9/2013), Available at: <http://www.icj-cij.org/docket/files/143/16895.pdf>, paras. 11-12.

جداگانه مورد بررسی قرار گیرد، منع می‌شوند. تفاوت مفهومی در ارزیابی مصونیت به عنوان عملی که ماهیت حاکمیتی دارد با موضوعی که مربوط به قواعد آمره است، وجود ندارد. در هر دو مورد نیاز به تحقیق در ماهیت موضوع است تا تعیین گردد که دولت شرایط حفظ مصونیت را دارد یا خیر. به نظر دنیای بی‌نقص متشکل از دو سیستم کاملاً متفاوت از قواعد، که یکی ماهوی و دیگری شکلی باشد وجود ندارد. ما با عناصر مادی مانند نفت و گاز سر و کار نداریم. قواعد شکلی وحی منزل نیستند؛ چرا که توسط دیگر قواعد به دست می‌آیند و به آن قواعد و ارزش‌ها خدمت‌رسانی می‌کنند.^۱ در واقع دیوان، می‌توانست موضعی ماهوی برای قاعده آمره اتخاذ کرده و تلاش کند آثار آن را تشریح نماید. این مسأله می‌توانست با تحلیلی کامل از قضیه فرینی و دیگر پرونده‌های ایتالیایی و عواقب تصمیم دیوان که جرایم مشخصی در حیطه بین‌المللی توسط نیروهای نظامی آلمان و دیگر ارگان‌های آلمان نازی به وقوع پیوسته است، انجام شود و نیز سئوالاتی را در مورد سلسله مراتب قواعد آمره در برابر مصونیت‌های قضایی به صورتی نسبتاً مجزا مطرح نماید.^۲

۳-۳. حق افراد برای دسترسی به عدالت و جبران خسارت

ایتالیا در شاخه سوم استدلال خود بیان کرد که شاکیان از انواع جبران خسارت محروم شدند و قضاوت دادگاه‌های ایتالیا آخرین امید آنها بوده است.^۳ دیوان در رأی خود ابراز می‌دارد که برخورداری از مصونیت قانوناً مستلزم پیش‌بینی تمهیدات و راهکارهای لازم برای جبران خسارت نیست و دولت مکلف به ایجاد سازوکار و راهکارهای لازم برای جبران خسارت قربانیان به عنوان مابه‌ازای مصونیت خود نمی‌باشد. قاضی یوسف در نظر مخالف خود معتقد است زمانی که مصونیت قضایی با حقوق بنیادین بشردوستانه تعارض پیدا کند، دولت مقر دادگاه متعهد است که ارزش‌های بنیادین جامعه بین‌المللی را تضمین و اجرا نماید. در دنیای امروز اعمال مصونیت دولت برای ممانعت از حق دسترسی به عدالت و حق جبران خسارت مؤثر، ممکن است سوءاستفاده از مصونیت تلقی شود.^۴ وی معتقد است که با لغو مصونیت دولت در موارد استثنایی فوق، حقوق بین‌الملل بشردوستانه بهتر اجرا می‌شود و ارزش‌های مبتنی بر حقوق بشر جامعه

1. Espósito, Carlos, Jus Cogens and Jurisdictional Immunities of States at the International Court of Justice: A Conflict Does Exist. *Italian Yearbook of International Law*, Vol. 21, 2012, p. 11.

2. Ibid, p. 4.

3. ICJ, Op. cit., para. 45.

4. Dissenting Opinion of Judge Yusuf, in the case concerning Jurisdictional Immunities of the State (Germany v. Italy: Greece intervening), (online), (last visited: 1/12/2014), 2012, available at: <http://www.icj-cij.org/docket/files/143/16893.pdf>.

بین‌المللی در کل بهتر مورد حمایت قرار می‌گیرد.^۱ قاضی بنونا در رأی جداگانه خود معتقد است که اصولاً دولت‌ها در برابر محاکم داخلی دیگر کشورها مصونیت دارند، اما در اوضاع و احوال خاص و استثنایی ممکن است دولتی از این مصونیت محروم گردد. این وضعیت خاص در صورتی پدید خواهد آمد که دولت متخلف از پذیرش هر نوع مسئولیت در مورد عمل غیرقانونی خود سر باز زند.^۲ قاضی بنونا با نظر دیوان که استدلال «آخرین راه حل جبرانی» را به بهانه فقدان حمایت از این نظریه در رویه دولت‌ها و آراء قضایی رد کرده بود، مخالف است. او از نحوه استدلال دیوان متأسف بود زیرا مبتنی بر خصایص و ویژگی‌های حقوق بین‌الملل معاصر نبود. بنابراین مصونیت در مفهوم مضیق خود، حقی مطلق در اختیار دولت نیست؛ بلکه بسته به شرایط اوضاع و احوال خاص هر قضیه، امکانی در اختیار یک دولت است تا در پیشگاه دادگاهی خارجی محاکمه نشود.^۳ قاضی کروما در رأی جداگانه خود نوشت که وی می‌پذیرد که «اشخاص» در دریافت غرامات ناشی از نقض مقررات حقوق بشر، ذینفع هستند اما برای «اشخاص» حقی قانونی برای طرح دعوای دریافت غرامت به صورت مستقیم علیه دولتی خارجی وجود ندارد و کنوانسیون چهارم لاهه ۱۹۰۷ و پروتکل اول الحاقی از چنین فرضیه‌ای حمایت نمی‌کند.^۴ این حسرت‌بار است که دیوان تعهدات سازنده جبران خسارت برای نقض حقوق بشردوستانه بین‌المللی در حقوق بین‌الملل را بررسی نکرده است. این تعهدی است که در ماده ۳ کنوانسیون ۴ لاهه (۱۹۰۷) و ماده ۹۱ پروتکل الحاقی ۱ از ۱۹۷۷ کنوانسیون ژنو (۱۹۹۹) تأکید شده است، در حالی که جبران خسارت برای چنین نقض‌هایی در سطح دولت‌ها مدیریت شده است. این به معنای آن نیست که افراد منافع نهایی چنین سازوکارهایی را دریافت نکرده یا نمی‌کنند و یا آنها دارای حق طرح شکایت برای جبران خسارت نیستند.^۵

۳-۴. مصونیت دولت‌ها در افق دور دست

این نظریه که دادگاه‌های ملی در مقابل حقوق بین‌الملل بی‌طرف هستند، آن هم در زمانه‌ای که این نظام به صورت گسترده‌ای بر روابط حقوقی داخلی سایه افکننده است،

1. Ibid, paras. 56-57.
2. Separate Opinion Of Judge Bennouna, in the case concerning Jurisdictional Immunities of the State (Germany v. Italy: Greece intervening), (online), (last visited: 1/12/2014), 2012, available at: <http://www.icj-cij.org/docket/files/143/16889.pdf>.
3. Ibid, para. 31.
4. Ibid, para. 304.
5. Summary of the Judgment of 3 February 2012, annex to summary, in the case concerning Jurisdictional Immunities of the State (Germany v. Italy: Greece intervening), (online), (last visited: 1/12/2014), available at: <http://www.icj-cij.org/docket/files/143/16899.pdf>.

نظریه‌ای غیرقابل قبول است. با نفی این نظریه و اعتقاد به حساسیت حقوق بین‌الملل در قبال واقعیات بیرونی به راحتی می‌توان رویه قضایی مربوط به مصونیت قضایی دولت‌های خارجی را ارزیابی کرد. دیوان عالی ایتالیا ضمن استناد به «قاعده آمره» که همان حقوق بین‌الملل برتر می‌باشد، فقط خواسته است در ساخت و پرداخت قاعده عرفی جدید مشارکت کند. در حال حاضر چنین قاعده‌ای وجود ندارد. اما دیوان عالی ایتالیا، نخستین سنگ بنای این «قاعده» را گذاشته است.^۱ در قضیه اختلاف بین آلمان و ایتالیا بررسی حقوق بین‌الملل عرفی پیرامون استحقاق یا عدم استحقاق دولت از مصونیت قضایی در موارد نقض قواعد آمره حقوق بشر و حقوق بین‌الملل بشردوستانه، از سوی دیوان، نمی‌تواند بدون تأثیر بر توسعه حقوق مصونیت دولت باشد. دیوان با اعلام این نظر که در حقوق بین‌الملل عرفی مستقر در حال حاضر، دلایل کافی مبنی بر اینکه دولت‌ها در موارد نقض قواعد آمره حقوق بشر و حقوق بین‌الملل بشردوستانه در خلال مخاصمات مسلحانه از مصونیت قضایی محروم نمی‌شوند، اگر چه جریان حقوق بین‌الملل عرفی را برای معرفی استثنایی جدید در زمینه مصونیت قضایی دولت متوقف نمی‌کند، اما آن را کند خواهد نمود. آن دسته از محاکم ملی‌ای که پس از صدور رأی دیوان بخواهند رویه قضایی محاکم ایتالیا و یونان را تعقیب نمایند، باید سایه سنگین مخالفت با تصمیم دیوان را تحمل نمایند.^۲

اگر تا دیروز تحولات جامعه بین‌المللی به گونه‌ای بود که از برخی استثنائات کمی بر مصونیت دولت‌ها سخن می‌رفت، امروزه سیر تحولات به سمتی است که استثنائات کیفی از جمله نقض شدید حقوق بشر مطرح می‌شوند و فرایند فعل و انفعالات پیچیده‌تر از گذشته جلوه‌گر می‌شود. حقوق بین‌الملل همان‌گونه که پاسدار نظم حقوق بین‌المللی و راهنمای تابعین خود در تعاملات طرفین می‌باشد، نمی‌تواند واقعیات جدید حیات بین‌الملل را به نظم درنیآورد و نسبت به آن بی‌توجه باشد. از این رو ارائه راهکار جدید و انداختن طرحی نو برای آینده‌ای بهتر برای جامعه بشری به‌ویژه تضمین حقوق بشر یک ضروری است و این فرایند در جریان است. اینکه آثار تثبیت‌شده آن در آینده چه خواهد بود را باید به نظاره نشست اما این اتفاق فرخنده است و از منظر انسانی امیدهایی را در ذهن همه ملت‌ها ایجاد می‌نماید.^۳

۱. فلسفی، هدایت‌الله، صلح جاوید و حکومت قانون: دیالکتیک همانندی و تفاوت، فرهنگ نشر نو، ۱۳۹۰، ص. ۵۹۷.

۲. نواری، پیشین، ص. ۶۷۹.

۳. امینی، پیشین، ص. ۱۳۶.

نتیجه‌گیری

در حقوق بین‌الملل عرفی، قاعده‌ای وجود ندارد که بر اساس آن در صورتی که دولت‌ها مرتکب نقض قواعد حقوق بشر شدند، امکان استناد به مصونیت قضایی در برابر محاکم ملی سایر دولت‌ها را از دست بدهند. استثنای صریحی بر مصونیت دولت برای نقض قواعد حقوق بشری نه در کنوانسیون مصونیت قضایی دولت‌ها و اموال آنها در سال ۲۰۰۴ مجمع عمومی سازمان ملل متحد و نه در قوانین داخلی کشورها در زمینه مصونیت، وجود ندارد. علیرغم این ایتالیا در محاکم داخلی خود خرق قاعده کرده و پیشگام در ایجاد استثنایی جدید در حقوق بین‌الملل عرفی بوده است. ایتالیا تصریح می‌کند که هیچ یک از دو قاعده رد مصونیت در مواجهه با نقض قواعد حقوق بشری و جواز مصونیت در این رابطه موجودیتی «یقینی» ندارد؛ به این صورت که در حوزه رد مصونیت، قاعده‌ای در حال شکل‌گیری است؛ اما هنوز موجودیت نیافته است. و در حوزه جواز مصونیت نیز شاهد قاعده‌ای هستیم که در حال زوال است ولی هنوز از میان نرفته است. قضیه آلمان علیه ایتالیا مجالی برای دیوان فراهم کرد که در رابطه با تعامل میان حقوق بشر، قاعده آمره و مصونیت دولت، اظهار نظر کند. از نظر دیوان نقض قاعده حقوق بین‌الملل مبنای موجهی برای کنار زدن مصونیت نیست و شدت نقض حقوق بین‌الملل هیچ مداخلیتی در رفع مصونیت ندارد. دیوان تصریح می‌کند که تعارضی میان مصونیت و قواعد آمره حقوق بین‌الملل احراز نمی‌کند و سلسله مراتب هنجاری که میان قواعد حقوق بین‌الملل پدید آمده، امری ماهوی است. اما مصونیت مسأله شکلی است. ویژگی قاعده مصونیت دولت که دارای طبیعت شکلی است، بدون داشتن محتوای ماهوی «که براساس آن بتوان حکم آمرانه‌ای را اجرا نمود» توسط صاحب‌نظران سرآمد حقوق بین‌الملل مورد پذیرش قرار گرفته است که به تفکیک اساسی بین قاعده آمره و مصونیت دولت اعتقاد دارند. دیوان در خصوص مصونیت قضایی دولت این دیدگاه را پذیرفت و نظر دیگر حقوق‌دانان که نظریه برتری قاعده آمره بر مصونیت دولت‌ها در سلسله مراتب هنجاری میان قواعد حقوق بین‌الملل را بیان کرده و قائل به صوری بودن افتراق این دو قاعده بوده‌اند و این افتراق را باعث فاصله گرفتن از واقعیت‌های حمایت از حقوق بشر می‌دانند، نادیده می‌انگارد. نظریه سلسله مراتب هنجاری باید برای اثبات برخورد قواعد حقوق بین‌الملل، وجود قاعده آمره‌ای را اثبات نماید که اعطای مصونیت به دولت‌های خارجی را نسبت به نقض‌های حقوق بشر منع نماید؛ اما این نظریه هیچ دلیلی برای چنین قاعده آمره‌ای ارائه نکرده است. از سوی دیگر، دیوان در تعارض میان احترام به حاکمیت دولت‌ها و یا ترجیح حمایت از حقوق بشری افراد، از جمله حق

دسترسی به عدالت و جبران خسارت، به سود حاکمیت رأی داده است. در واقع دیوان رعایت مصونیت دولت‌ها در برابر محاکم داخلی دیگر کشورها را ضامن حفظ حاکمیت دولت‌ها دانست. عدم امکان دسترسی قربانیان به مراجع قضایی داخلی برای مطالبه حقوق خود از دولت ناقض قواعدهای حقوق بشری با خصلت آمرانه، حفره‌ها و شکاف‌هایی را در بطن حقوق بین‌الملل ایجاد می‌نماید. در چنین وضعیتی، اشخاص در یافتن مرجعی که بتوانند با توسل به آن خسارات خود را جبران نمایند، دچار مشکل هستند. این امر خود سبب می‌شود که درک متداول از حقوق بین‌الملل به عنوان یکی از منابع حمایت از حقوق بشری تضعیف شود. دیوان در راستای تثبیت حقوق بین‌الملل عرفی گام برداشته ولی محتمل است که هر نقض کنونی حقوق بین‌الملل در آینده در صورتی که مورد اقبال رویه دولت‌ها قرار گیرد، به قاعده آتی حقوق بین‌الملل عرفی تبدیل شود و مجوز نقض مصونیت را به محاکم داخلی سایر کشورها بدهد.

منابع

- امینی، اعظم، «مفهوم مصونیت قضایی دولت‌ها و استثنای نقض حقوق بشر»، مجله نامه مفید، شماره ۷۹، ۱۳۸۹.
- انصاری معین، پرویز، مصونیت قضایی دولت‌ها و اموال آنها، نشر میزان، ۱۳۸۹.
- رضائی قوام‌آبادی، محمدحسین؛ فرخی، رحمت‌اله؛ و شریف جوادی شریفی، «مصونیت قضایی دولت خارجی در دادگاه‌های ملی با عنایت به رأی دیوان در قضیه مصونیت صلاحیتی دولت»، مرکز امور حقوقی بین‌المللی ریاست جمهوری، سال سی‌ام، شماره ۴۸، ۱۳۹۲.
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا، «مصونیت کشورها و مقامات حکومتی از دیدگاه حقوق بین‌الملل»، پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۴، ۱۳۸۰.
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا، حقوق بین‌الملل عمومی، چاپ سی‌وهشتم، گنج دانش، ۱۳۸۸.
- ظاهری، علیرضا، «تحولات قاعده مصونیت دولت: تأثیر قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران و قانون مبارزه با تروریسم ایالات متحده آمریکا»، مجله دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی، شماره ۳۰، ۱۳۸۳.
- عبدالهی، محسن؛ و حسین خلف رضایی، «معادله تعارض اصل مصونیت دولت با قواعد آمره حقوق بشر»، حقوق تطبیقی (نامه مفید)، شماره ۷۹، ۱۳۸۹.
- عبدالهی، محسن، «پیامدهای رأی دیوان در قضیه مصونیت‌های صلاحیتی دولت بر نقض مصونیت ایران در محاکم آمریکا»، در: زمانی، سیدقاسم، جامعه بین‌الملل و حقوق بین‌الملل در قرن بیست‌ویکم، چاپ دوم، شهر دانش، ۱۳۹۳.
- عبدالهی، محسن؛ و میرشهبیز شافع، مصونیت قضایی دولت در حقوق بین‌الملل، اداره چاپ و انتشار ریاست جمهوری، ۱۳۸۶.
- عزیزی، ستار، «تعامل مصونیت دولت‌ها و قواعد آمره در پرتو رأی مصونیت صلاحیتی ۲۰۱۲»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۴۳، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۲.
- فلسفی، هدایت‌الله، صلح جاوید و حکومت قانون: دیالکتیک همانندی و تفاوت، فرهنگ نشر نو، ۱۳۹۰.
- کامیستانی، کرم‌علی، «مطالعه‌ای در اصول حقوق بین‌الملل (بررسی دو اصل تعیین سرنوشت ملل و اصل مصونیت دولت‌ها)»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۳، ۱۳۷۱.
- موسوی، سیدعلی، «کنوانسیون ملل متحد درباره مصونیت قضایی دولت‌ها و اموال آنها»، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیستم، شماره ۴، ۱۳۸۵.
- نواری، علی، «رأی دیوان در قضیه اختلاف بین آلمان و ایتالیا: موازنه بین حقوق بین‌الملل کلاسیک و مدرن»، در: زمانی، سیدقاسم، جامعه بین‌الملل و حقوق بین‌الملل در قرن بیست‌ویکم، چاپ دوم، شهر دانش، ۱۳۹۳.

-
- Akande, Dapo, "International Law Immunities and the International Criminal Court", *American Journal of International Law*, Vol. 98, No.3, 2004.
 - Al-Adsani v. United Kingdom, *European Court of Human Rights*, (no.2) (35763/97), 2001.
 - Bastin, Lucas, "International Law and the International Court of Justice's Decision in Jurisdictional", *Melbourne Journal of International Law*, Vol. 13, 2012.
 - Bianchi, Andrea, "Ferrini v. Federal Republic of Germany", *American Journal of International Law*, Vol. 107, 2005.
 - Brownlie, Ian, "Principles of Public International Law", 7th Edition, Oxford, Oxford University Press, 2008.
 - Cassese, Antonio, *International Law*, 2nd edition, Oxford, Oxford University Press, 2005.
 - De Sena, Pasquale; and Francesca De Vittor, "State Immunity and Human Rights: The Italian Supreme Court Decision on the Ferrini Case", *European Journal of International Law*, Vol. 16, No. 1, 2005.
 - Dissenting opinion of judge ad hoc Gaja, in the case concerning Jurisdictional Immunities of the State (Germany v. Italy: Greece intervening), (2012), [online], (last visited: 7/9/2013), Available at: <http://www.icj-cij.org/docket/files/143/16895.pdf>.
 - Dissenting opinion of Judge Cançado Trindade, in the case concerning Jurisdictional Immunities of the State (Germany v. Italy: Greece intervening), (2012), [online], (last visited: 7/9/2013), available at: <http://www.icj-cij.org/docket/files/143/16891.pdf>.
 - Dissenting Opinion of Judge Yusuf, in the case concerning Jurisdictional Immunities of the State (Germany v. Italy: Greece intervening), (online), (last visited: 1/12/2014), 2012, available at: <http://www.icj-cij.org/docket/files/143/16893.pdf>
 - Espósito, Carlos, *Jus Cogens and Jurisdictional Immunities of States at the International Court of Justice: A Conflict Does Exist*. *Italian Yearbook of International Law*, Vol. 21, 2012.
 - Finke, Jasper, "Sovereign Immunity: Rule, Comity or Something Else?" *European Journal of International Law*, Vol. 21, No. 4, 2010.
 - Fox, Hazel; and Philippa Webb, *The Law of State Immunity*, Oxford University Press, 2002.
 - Germany. v. Italy. 2011, I.C.J. 143, Greece requests permission to intervene in the proceedings, summery, press release, unofficial, [online], available at: <http://www.icj-cij.org/docket/files/143/16294.pdf>

- Harris, David, "Cases and Material on International Law", 6th edition, London, Sweet & Maxwell, 2005.
- Jurisdictional Immunities of the State (Germany v. Italy: Greece intervening), summary of the Judgment of 3 February 2012, [online], (last visited: 7/9/2013), Available at: <http://www.icj-cij.org/docket/files/143/16899.pdf>
- Karagiannakis Magda, "State Immunity and Fundamental Human Rights", Leiden Journal of International Law, Vol. 11, Issue 1, 1998.
- Orakhelashvili, Alexander, "State Immunity and Hierarchy of Norms: Why the House of Lords Got it Wrong", The European Journal of International Law, Vol. 18, no. 5, 2008.
- Pittrof, Sabine, "Compensation Claims for Human Rights Breaches Committed by German Armed Forces Abroad During the Second World War: Federal Court of Justice Hands Down Decision in the Distomo Case", German Law Journal, Vol. 15, 2004.
- Reece Thomas, Katherine; and Joan Small, "Human Right and State Immunity : Is there Immunity from Civil Liability for Torture?", Netherlands International Law Review, Vol. 50, Issue 1, 2003.
- Reports of Judgments, Advisory Opinions and Orders Jurisdictional Immunities of The State (Germany V. Italy: Greece Intervening) Judgment Of 3 February 2012, [online], (last visited: 7/9/2013), Available at: <http://www.icj-cij.org/docket/files/143/16883.pdf>.
- Reports of judgments, advisory opinions and orders, order 6 July 2010, jurisdictional immunities of the state (Germany v. Italy: Greece intervening), (online), (last visited: 21/11/2014), available at: <http://www.icj-cij.org/docket/files/143/16027.pdf>
- Separate Opinion Of Judge Bennouna, in the case concerning Jurisdictional Immunities of the State (Germany v. Italy: Greece intervening), (online), (last visited: 1/12/2014), 2012, available at: <http://www.icj-cij.org/docket/files/143/16889.pdf>
- Separate Opinion Of Judge Koroma, in the case concerning Jurisdictional Immunities of the State (Germany v. Italy: Greece intervening), (online), (last visited: 1/12/2014), 2012, available at: <http://www.icj-cij.org/docket/files/143/16885.pdf>
- Steinberger, Helmut, "State Immunity" Encyclopedia of Public International Law", vol. 10, Amsterdam, North-Holland, 1989.
- Summary of the Judgment of 3 February 2012, annex to summary, in the case concerning Jurisdictional Immunities of the State

(Germany v. Italy: Greece intervening), (online), (last visited: 1/12/2014), available at:
<http://www.icj-cij.org/docket/files/143/16899.pdf>

- Talmon, Stefan, "Jus Cogens after Germany v. Italy: Substantive and Procedural Rules Distinguished", *Leiden Journal of International Law*, Vol. 25, 2012.
- Zimmermann, Andreas, "Sovereign Immunity and Violations of International Jus Cogens: Some Critical Remarks", *Michigan Journal of International Law*, Vol. 16, 1995.